

قونیه وسیر تاریخی آن

تعمیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

داود اصفهانیان

(دکتر در تاریخ)

(استادیار دانشگاه اصفهان)



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

قونیه و سیر تاریخی آن

در منابع باستانی نام قونیه
ایسکونیون Ikonion ذکر
گردیده که از کلمه Ikon

(Εἰκων)

بمعنای تصویر آمده
است بنا بر روایتی بعد از طوفان
دیوکالیون Deukalion پرومتیوس

Prometeus در آنجا قالب‌هایی
بشکل انسان ساخته است ،
بنابراین داستانی دیگر این شهر
بنام مهاجر نشین یونانی دانائیا
Danaia نامیده شده و مرکز

ایالت ایقاونیا بوده است ظاهراً
بر این شهر ازدهائی تسلط پیدا
میکند پرسئوس Perseus پسر
ژوپیتر ازدها را میکشد و شهر
را از بالای هولناک نجات میدهد.

اهالی شهر بپاس فداکاری وی
تصویر او را بر دروازه شهر رسم

تقلم :

داود اصفهانیان

(دکتر تاریخ)

استادیار دانشگاه اصفهان

میکنند و از آن پس این شهر ایکونیون نامیده میشود. ۲ این نظر را سکه‌هایی که ضمن حفاری در این شهر بدست آمده و در روی آنها تصاویری از پرسپوس و ازدها دیده میشود تأیید میکند.

بهنگام تسلط رومیان بر آسیای صغیر این شهر ایکونیوم Ikonium خوانده میشد. بیزانسی‌ها آنرا کونیوم Conium مینامیدند در ایتالیائی کونیا Conia، در عربی قونیا، بزبان ترکی استانبولی کونیا Konya و بالاخره در فارسی قونیه گفته شده است. ناحیه قونیه مانند سایر مناطق آسیای صغیر بعد از اینکه مدت‌ها تحت تسلط هیتی‌ها Hittites قرار گرفته بود بتصرف فریکیه درمی‌آید و مدتی نیز تحت حاکمیت لیدیه قرار می‌گیرد. در اواسط قرن ششم قبل از میلاد ایرانیان بر آسیای صغیر مسلط میشوند و این منطقه جزء قلمرو امپراتوری بزرگ پارس میگردد.

گزنون که باتفاق ده هزار سپاهی بهنگام عصیان کوروش پسر داریوش دوم علیه برادرش اردشیر دوم (۴۰۴-۳۶۲ قبل از میلاد) از قونیه عبور کرده است این شهر را منتهی‌الیه فریکیه در مشرق ذکر کرده ۳ و بعدها این منطقه جزء لیکیه واقع در جنوب فریکیه بحساب آمده است. بعد از اسکندر سلاطین بر گاه‌ها و بعد رومیان بر این ناحیه حکمرانی کرده‌اند. در اثنای انتشار آئین مسیح پائولوس یکی از حواریون در این شهر اقامت میکند و بر شهرت و اعتبار آن همچنان افزوده میشود. در عصر قریانوس امپراتور روم (۱۱۷-۲۹۸ م) در این شهر یهودیان و رومیان ساکن بودند در اوایل قرن هفتم میلادی ساسانیان بطرف آسیای صغیر پیشروی نمودند. در اواسط این قرن سپاهیان معاویه قونیه را تصرف کردند و از این شهر گذشتند در قرن هشتم میلادی نیز این حادثه تکرار شد و در قرن نهم نیز لشکر اموی از این شهر عبور کرد و تسلط مسلمین تا آخر قرن دهم میلادی بر این شهر ادامه داشت. در این ایام بعلمت اینکه قونیه

۲- قاموس الاعلام (ترکی) شمس‌الدین سامی. استانبول ۱۸۹۶ جلد ۵ صفحه ۳۷۸۱

3- Islan Ansiklopedisi, Cilt 6, S. 842

نسبتاً بمشرق قلمرو بیزانس و سرحد قلمرو مسلمین نزدیک بود دست بدست گشته است. در نیمه دوم قرن یازدهم بعد از شکست امپراتور روم رومانوس- دیوجانوس توسط آلب ارسلان سلجوقی در نبرد ملاذ گرد^۴ تسلط سلاجقه بر آسیای صغیر آغاز گردید. از خاندان سلجوقی، سلیمان پسر قتلش، قونیه را اشغال کرد.

در آن شهر عده‌ای از امرای ترك آسیای صغیر از وی اطاعت نمودند و خلیفه عباسی نیز با فرستادن فرمان، علم و خلعت وی را عنوان پادشاهی داد و تا سال ۱۰۸۰ میلادی که شهر از نیک واقع در شمال غربی آناتولی مرکزی بدست سلیمان افتاد و پایتخت او گردید قونیه مرکز حکومت سلاجقه روم بود و عظمت و شوکتی تمام یافت که تا آن عصر در تاریخ قونیه سابقه نداشت در اواخر قرن یازدهم میلادی بعلمت تهدید صلیبیون از مغرب و مغولها از مشرق، سلاجقه روم مجبور شدند بار دیگر متوجه مشرق قلمرو خود شوند در نتیجه از سال ۱۰۹۶ تا انقراض قطعی سلاجقه آسیای صغیر در ۱۳۰۸ میلادی این شهر پایتخت بوده است.

قلج ارسلان دوم (۵۸۴-۵۵۱ هـ) پنجمین حکمران سلجوقی آسیای صغیر در امران و آبادی این شهر کوشید و در زمان علاءالدین کیقباد اول (۶۳۴-۶۱۷) نیز توجه خاصی باین شهر شد. در سال (۵۶۱ = ۱۱۲۳ هـ) مغولها به آسیای صغیر حمله کردند و در کوسه داغ غیاث‌الدین کیخسرو دوم (۶۴۲-۶۳۴ هـ) را شکست دادند و سلاجقه روم دست نشانده مغولان گردیدند.

بعد از سلاجقه روم خاندان آل قرامان بر قونیه مسلط شدند و پایتخت حکمرانان آل قرامان شهر قرامان در جنوب آناتولی بوده است بدینجهت در این عصر قونیه با داشتن موقعیت فرهنگی عمیق و اصیل همچنان اعتبار خود را حفظ کرده است.^۵

۴- تاریخ ایران، تألیف حبیب‌الله شاملومی. اذانتشارات صفی‌علیشاه ۱۳۴۷. ص ۳۷۱

5- Anadolu Beylikleri. Prof Hakki Uzuncarsili. Ankara. 1969.S, 211

سرانجام سلطان محمد فاتح (۱۴۸۱-۱۴۵۱م) هفتمین سلطان عثمانی در سال ۱۴۶۵م، با پایان دادن به حکومت خاندان آل قرامان در جنوب آناتولی، شهر قونیه نیز بتصرف قطعی عثمانیان درآمد. بعد از الحاق قونیه به قلمرو امپراتوری عثمانی این شهر تبدیل بمرکز ایالتی گردید و جنبه پایتختی خود را از دست داد اما وجود بارگاه با عظمت مولانا جلال الدین محمد مولوی باعث گردید که از نظر ادب و عرفان این شهر کماکان موقعیت خود را حفظ نماید و بر عظمت و قدرت معنوی و ادبی آن بیش از پیش افزوده گردد.

مولانا نامش محمد لقیح جلال الدین مشهور به مولوی است پدر مولانا سلطان العلماء بهاء الدین در سال (۶۱۷ هـ - ۱۲۲۰م) باتفاق وی که در آن هنگام نوزده ساله بود از بلخ به قونیه مهاجرت مینماید و پس از تحصیل و کسب دانش در دمشق و حلب که از مراکز علمی آن دوره بوده به قونیه باز میگردد.^۷ و به سیر و سلوک مشغول میشود و سرانجام بمقام شامخ عرفان میرسد و در این مکان یکی از آثار معروف خود را بنام مثنوی معنوی بوجود می آورد که بر اوستی از مهمترین آثار ادبی و عرفانی عالم و از شاهکارهای فنناپذیر ادبی جهان بشمار میرود.

ادوارد براون مستشرق معروف انگلیسی در مورد مولانا چنین گوید: «جلال الدین رومی بدون تردید بزرگترین شاعر صوفی است که ایران بوجود آورده است و مثنوی او را باید یکی از آثار شعری بزرگ کلیه اعصار تاریخی بشمار آورد».^۸

کتابخانه
از بناهای معروف قونیه که توجه همگان را بخود معطوف داشته بارگاه مولانا است.

۶- امپراتوری عثمانی. تألیف لاموش. ترجمه سعید نفیسی. از نشریات کمیسیون

معارف ۱۳۱۶ ص ۸۰

۷- یادنامه مولوی. از انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران ۱۳۳۷.

تهران. ص ۹۳

۸- تاریخ ادبیات ایران - تألیف ادوارد براون جلد دوم ص ۵۱۵ و یادنامه

مولوی ص ۱۵

زمانی این قسمت باغچه گل بوده است و علاءالدین کیقباد سلجوقی (۶۳۴-۶۱۷هـ) آنجا را برای اقامت سلطان العلماء بهاء الدین اختصاص داده است و وی پس از فوت (۶۲۸هـ) در همان محل دفن گردیده و پسرش مولانا جلال الدین در کنار آرامگاه پدر اقامت گزیده و بعد از فوت (۶۷۲ هـ - ۱۲۷۳ م) او را نیز در همان محل بخاک سپرده اند. از طرف امیر معین الدین پروانسه^۹ مقبره ای که دارای چهار ستون بشکل پای فیل و گنبدی هرمی شکل و کاشیکاری شده آرامگاه مولانا را بوجود آورده است و گویا سازنده این بنا بدرالدین معمار تبریزی بوده است. ۱۰

کتابخانه

به اطراف این مقبره در دوره های بعد قسمت های متعددی علاوه شده است. در ورودی آرامگاه در قسمت جنوبی قرار گرفته بعد از عبور از صحنی که سه حجره های متعدد برای اقامت در اویش دارد سالتی است که امروزه به کتابخانه تبدیل شده و دارای کتابهایی نفیس خطی و آثار با ارزشی میباشد و از آن جمله یک جلد قدیمترین نسخه خطی مشنوی است که در این کتابخانه نگهداری می شود. بعد از کتابخانه هشتی ای وجود دارد که مدفن بسیاری از بزرگان است. بعد از عبور از قرائت خانه و گشودن دری نقره ای وارد صحن مقبره می شویم. در سمت راست آرامگاه یعنی مشرف بسمت مشرق ۵۵ مزار وجود دارد که آرامگاه نوادگان و مریدان مولانا است در قسمت غرب این سمت آرامگاه پدر مولانا باشش همراه خراسانی وی جای گرفته است. در قسمت زیر گنبد هرمی مولانا و پسرش سلطان ولد مدفون است. در زیر طاقهایی که بعداً به بارگاه اضافه شده سماع خانه و مسجدی وجود دارد. در قسمت سماع خانه که حالیه

۹ - برای اطلاع بیشتر درباره این امیر به تاریخ مغول تألیف عباس اقبال از انتشارات امیر کبیر ص ۲۰۸ مراجعه شود .

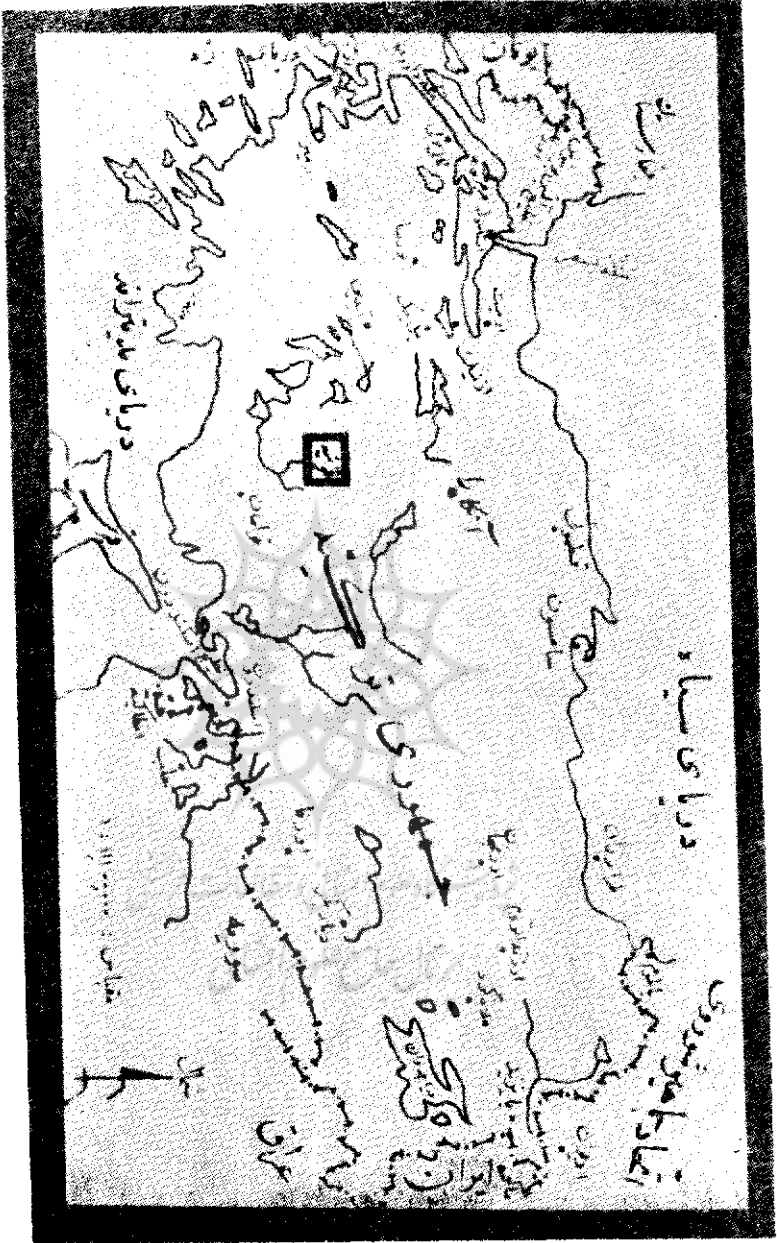
10- Türkiye Tarihi, Yılmaz öztuna, Cilt2.

Hayat Kitapları, 1964. Istanbul. S, 240.

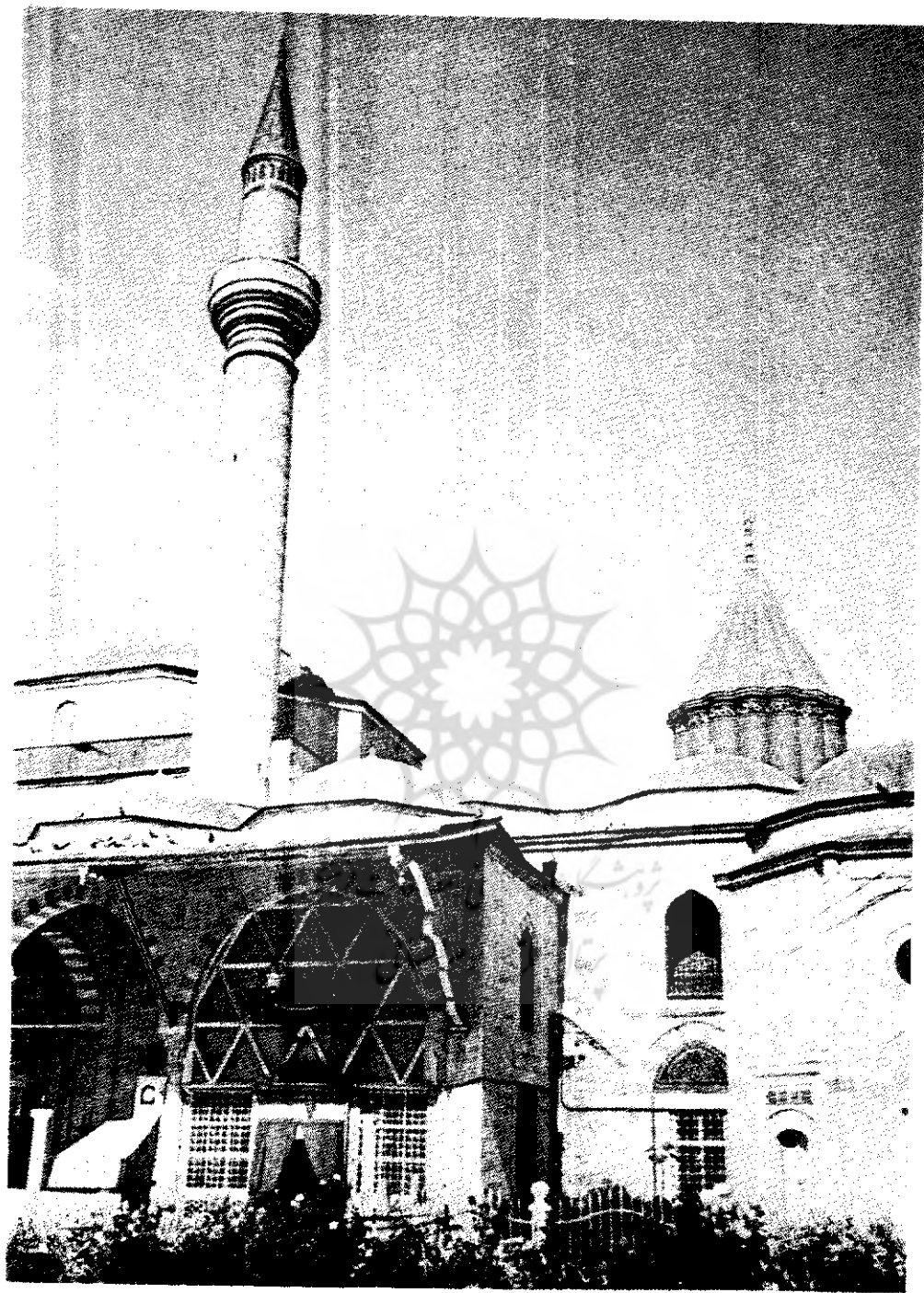
بصورت موزه درآمده و اشیاء و آلات موسیقی مربوط به درویش مولوی و نیز چندین جلد مثنوی تذهیب شده بسیار نفیسی بچشم میخورد. علاوه بر بارگاه مولانا در میان زیارتگاههای قونیه آرامگاه منسوب به شمس تبریزی و نیز آرامگاه صدرالدین قونوی که از عرفای معاصر مولانا و شهرتی در عالم عرفان دارد قرار گرفته است.



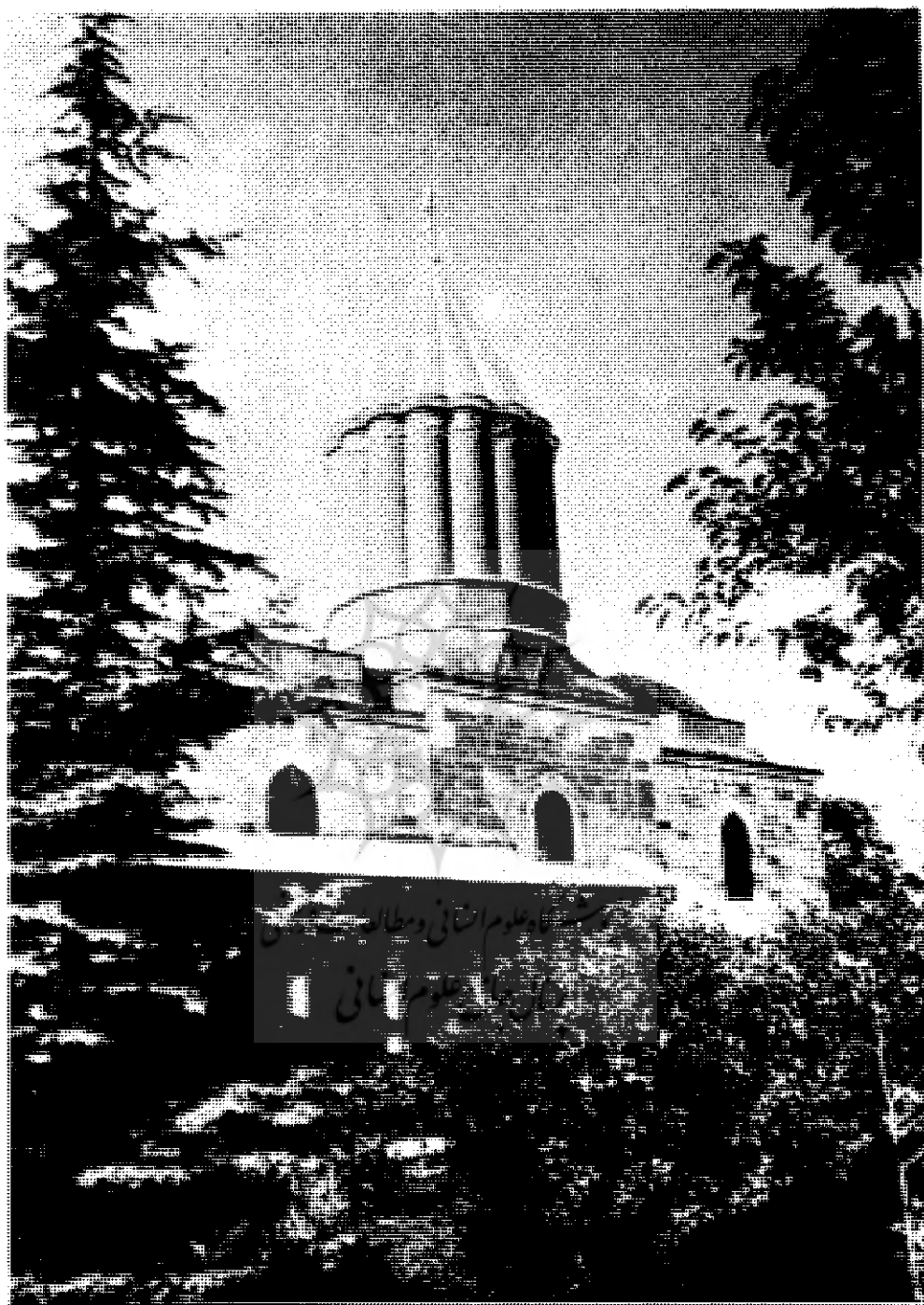
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



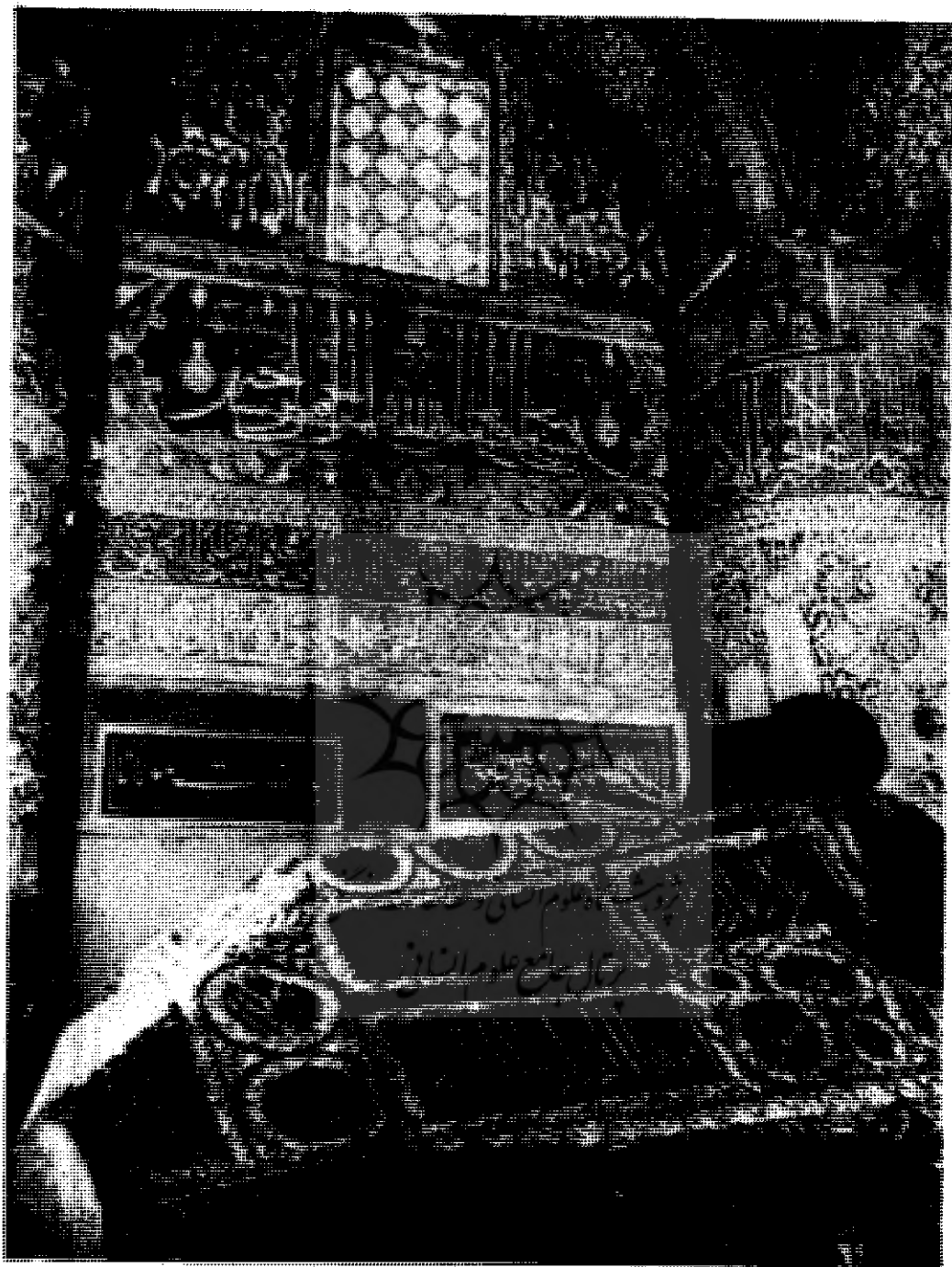
دهم وضعیت جغرافیایی قوقاز



«بارگاه مولانا در قونیه»



«گنبد هرمی بالای آرامگاه مولانا»



دائرہ گاہ مولانا جلال الدین محمد مولوی